



پیش از آن‌که بسیاری از مردم نام پول دیجیتال، بیت‌کوین را بشنوند، برایان آرمسترانگ، مهندس 27 ساله در سایت به‌اشتراک‌گذاری Airbnb، فکر کرد که این واحد دیجیتال می‌تواند برای پول‌ساز باشد. در آن زمان (بهار 2012) Airbnb پانصد میلیون دلار پول پرداختی سالانه خود را در 192 کشور، با استفاده از مجموعه‌ای آشفته از شبکه‌های مالی منتقل می‌کرد و البته هر کدام از اعضای این شبکه هزینه‌ای برای تراکنش در نظر می‌گرفتند. یک نسخه ناشناس، رمزنگاری‌شده و فارغ از دولت و پول می‌توانست همه این فرآیند را ساده‌تر کند. این امکان کار را سریع‌تر، امن‌تر و به‌شدت ارزان‌تر می‌کرد.

این مطلب یکی از مقالات پرونده ویژه «**بیت‌کوین**» است. برای دانلود کل پرونده ویژه [اینجا](#) کلیک کنید.

مشکل این‌جا بود که همان چیزهایی که بیت‌کوین را جذاب می‌کرد، آن را برای افراد غیرکدنویس گیج‌کننده می‌کرد. استفاده از آن مستلزم به‌کارگیری یک نرم‌افزار بدقلق و دشوار معروف به کیف پول بود. به دست آوردن بیت‌کوین‌ها هم برای خود چالشی بود؛ بیش‌تر مواقع باید آن‌ها را از واسطه‌هایی می‌خریدند که زیر سایه‌های مرموز فعالیت می‌کردند و اغلب اوقات نیز کلاه‌بردار از آب در می‌آمدند. خرج کردن پول به دست‌آمده نیز کار سختی بود، زیرا پیشه‌وران معدودی آن را قبول داشتند؛ این واحد پولی خیلی نو بود. آرمسترانگ دریافته بود که راه گسترش مقبولیت بیت‌کوین یک کیف پول کاربرپسند است.

او تنها کسی نبود که به ظرفیت گسترده‌تر بیت‌کوین فکر می‌کرد. آرمسترانگ در یک انجمن آنلاین، بن ریوز، برنامه‌نویس انگلیسی و صاحب سایت Blockchain، را ملاقات کرد، این سایت مخصوص ردگیری تراکنش‌های بیت‌کوین بود. ریوز فناوری را عمیقاً درک کرده بود و درون این جامعه از مشتاقان، که دوستی نزدیکی با هم داشتند، اعتبار زیادی داشت. او به مدت یک سال از بیت‌کوین استفاده کرد و حتی کیف پولی ساخته بود که ده هزار نفر آن را امتحان کرده بودند. ریوز همچنین تمایل داشت که این واحد پولی توجه افراد بیش‌تری را به خود جلب کند. دو فرد مشتاق کار به هم برخوردند و ایده‌های خود را برای یک شرکت جدید بیان کردند؛ یک PayPal برای بیت‌کوین. شرکتی که در تبادل‌های رمزنگاری‌شده نقش یک واسطه معتمد را بازی می‌کند و هر بار که تبدیلی میان بیت‌کوین و دلار انجام شود، شرکت 5 درصد از مبلغ را به‌عنوان کارمزد دریافت می‌کند. اما خرج کردن پول داخل شبکه بیت‌کوین بدون هزینه خواهد بود. به این ترتیب، وجود یک کیف پول دیجیتال و سرویس‌های فرآیند خرید به نوعی به این معنا است که می‌توان به‌راحتی با استفاده از اسمارت‌فون و بیت‌کوین پول راننده تاکسی‌ای را پرداخت که فقط پول نقد قبول می‌کند.

آن‌ها ایده خود را برای Y Combinator بیان کردند که یک مرکز بالندگی کسب‌وکار معتبر است. سپس آن‌ها در

عرض چند ساعت دعوت‌نامه شرکت در دوره تابستان 2012 مؤسسه را دریافت کردند. اما این رابطه خیلی زود به مشکل برخورد. آرمسترانگ گمان می‌کرد که جذب مقبولیت عمومی برای بیت‌کوین مستلزم این است که افرادی که رمزعبور کیف پول خود را گم کرده‌اند راهی برای بازیابی آن داشته باشند؛ یعنی شرکت جدید آن‌ها باید دسترسی به کلیدهای خصوصی کاربران را حفظ کند. این کلید یک کد دسترسی 64 کاراکتری است که بیان‌گر مالکیت بیت‌کوین است. بدون چنان دسترسی‌ای کاربران فقط با فراموش کردن رمزعبور کل دارایی بیت‌کوین خود را از دست می‌دهند. همچنین، آن‌ها در مقابل سرقت بیمه نمی‌شوند.



ریوز کاملاً مخالف بود. نکته اصلی بیت‌کوین این بود که کنترل کامل را به فرد صاحب بیت‌کوین‌ها بدهد. اگر شخصی به یک شرکت امکان دسترسی به بیت‌کوین‌هایش را بدهد، در اصل به آن شرکت اعتماد کرده است، همان‌طور که به بانک اعتماد می‌کند. آن شرکت می‌تواند اطلاعات را به هکرها بیازد، یا بدتر، آن‌ها را یک‌جا بدزد. این کلاه‌برداری‌ها هم‌اکنون در دنیای نوپای بیت‌کوین اتفاق‌های رایجی بودند. اگر شرکت ریوز و آرمسترانگ یک منفذ به کل کیف‌پول‌های مشتری‌هایش باز می‌کرد، طولی نمی‌کشید که دولت بخواهد وارد ماجرا شود. درست است؛ سیستم حاضر به این معنا بود که کاربران خطر بیشتری را قبول کنند و این موضوع به احتمال تعدادی از کاربران معمولی را از چرخه خارج می‌کند. اما، در هر حال بیت‌کوین از اول هم به درد آن‌ها نمی‌خورد. اگرچه قصد داشت یک واحد پولی برای همگان بسازد، اما می‌خواست که با خوره‌ها شروع کند. او در نوشته‌های خود می‌گوید: «در حقیقت برای افراد عادی دلایل زیادی برای استفاده از بیت‌کوین وجود ندارد.»

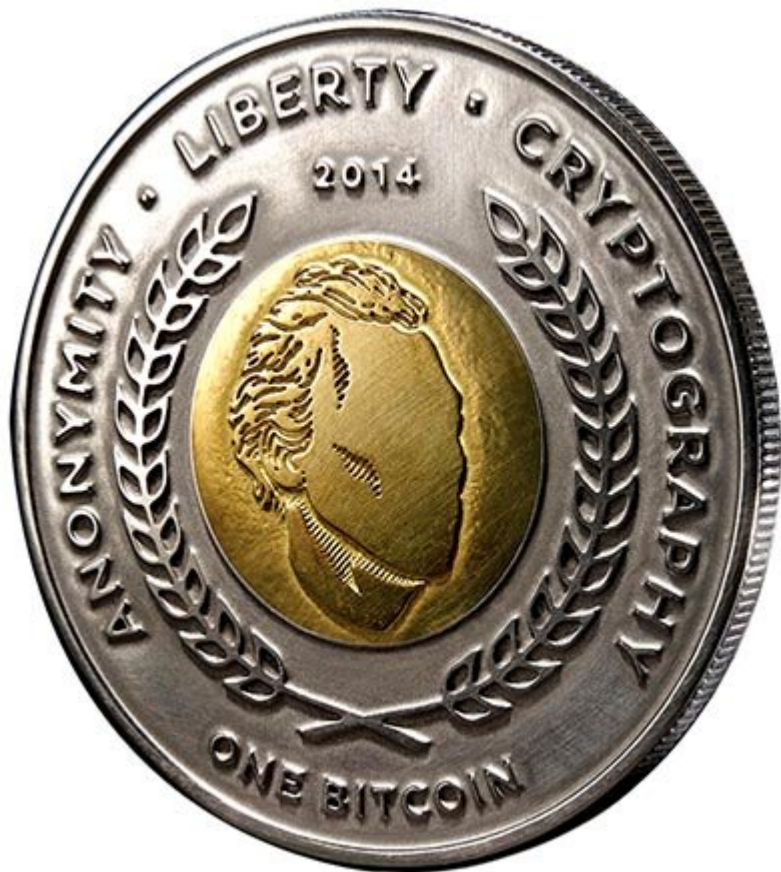
در نهایت، 48 ساعت قبل از سفر ریوز به دره سیلیکون، همه چیز به هم خورد. او ایمیلی محترمانه از آرمسترانگ دریافت کرد که در آن نوشته بود: «بنا نهادن مشترک یک شرکت واقعاً همانند یک ازدواج است. با وجود این‌که من باور دارم ما احترام دوطرفه‌ای برای هم قائلیم، با هم چندان خوب کار نمی‌کنیم.» آرمسترانگ ارتباط ریوز با اشتراک‌های آنلاین مشترک را قطع کرد. او در ادامه نوشته بود: «به گمان من ما درباره این‌که چه محصولی می‌خواهیم بسازیم، زیبایی‌شناسی کاملاً متفاوتی داریم.» او قصد داشت به تنهایی به Y Combinator برود. ریوز دیگر در عمل از چرخه بیرون افتاده بود.

دو رویکرد متفاوت

امروزه تعارض فکری میان آرمسترانگ و ریوز در کل اقتصاد نوپا، متغیر و پویای بیت‌کوین کهنه شده است. چیزی که زمانی قلمرو هکرها، فعالان آزادی‌خواه و قاچاق‌چیان مواد مخدر بود، امروزه توسط تعداد فزاینده‌ای از کسب‌وکارها پذیرفته شده است. در حال حاضر می‌توان برای خرید یک تشک از Overstock.com یا یک لپ‌تاپ از TigerDirect

از آن استفاده کرد. زینگا نیز برای پرداخت آنلاین داخل بازی‌ها آن را قبول دارد. سال گذشته صد میلیون دلار در تراکنش‌های بیت‌کوین ثبت شده و ارزش بیت‌کوین از 13 دلار به 1200 دلار افزایش پیدا کرده است، آن هم با وجود محدودیت‌هایی که در چین اعمال شد. حتی وقتی یکی از مشهورترین کسب‌وکارهای بیت‌کوین در دنیا، یک صرافی ژاپنی با نام Mt. GOX هک شد (مشتری‌ها پولی به ارزش میلیون‌ها دلار را از دست دادند) صرافی‌های جدیدی به وجود آمدند، ارزش این پول دوباره اوج گرفت و افزایش مقبولیت آن ادامه پیدا کرد. قوانین کنترل بازار دید سخت‌گیرانه‌ای به اقتصاد بیت‌کوین دارند، اما همچنان سرمایه‌گذاران و کارآفرینان بیشتری به این قافله اضافه می‌شوند. همه این فعالیت‌ها یک شکاف بنیادین را درباره آن چه که بیت‌کوین باید به آن تبدیل شود، پنهان می‌کند. بسیاری از هواداران اصیل این واحد پولی (آن‌ها را آزادی‌خواهان ناشناس بنامید) آن را گامی به سوی یک نظام اقتصادی نوین می‌بینند. نظامی که تحت نفوذ یک قدرت دولتی فزونمند یا یک صنعت مالی درنده‌خو نیست. بیت‌کوین توسط یک بدنه سامان‌دهنده مرکزی مانند Federal Reserve ایجاد یا کنترل نشده است. آن‌ها توسط یک شبکه جهانی از کامپیوترها (یا به زبان بیت‌کوین، کاوشگری) ایجاد شده‌اند و توسط قوانین ریاضیاتی خردگرا و بی‌غرض و اصول عرضه و تقاضا کنترل می‌شوند. الگوریتم‌های بیت‌کوین امر می‌کنند که هرگز بیش از 21 میلیون بیت‌کوین تولید نخواهد شد (این رقم هر چهار سال نصف می‌شود).

مهم‌تر آن‌که از دید آزادی‌خواهان ناشناس، این واحد پولی خط میان شفافیت و حریم خصوصی را بازتر می‌کند. همه تراکنش‌ها در فضای باز اتفاق می‌افتند و در دفترکل بیت‌کوین ثبت می‌شوند که در دسترس عموم است. اما بیت‌کوین لزوماً به هویت هیچ کاربری گره نمی‌خورد و می‌توان آن را به‌طور ناشناس خرج کرد؛ یعنی برای ناآگاه نگه داشتن دولت‌ها و بازاربازها از عادت‌های خرید افراد راهی وجود دارد.



در همین حال، برخی از تازه‌واردان دنیای بیت‌کوین (سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر و کارآفرینان) دید کاملاً متفاوتی دارند. آن‌ها به بیت‌کوین به دید یک وسیله بسیار عملی‌تر نگاه می‌کنند؛ یک سیستم بسیار کارآمد تراکنش آنلاین مانند ویزا، اما ارزان‌تر، سریع‌تر و انعطاف‌پذیرتر.

چنین امکانی راه را به دنیایی باز می‌کند که در آن مجبور نیستیم برای حفاظت از شماره کارت اعتباری خود به فروشنده‌ها اعتماد کنیم، دنیایی که در آن بازرگانان مجبور نیستند هزینه‌های گزاف جابه‌جایی [پول] را پرداخت کنند، دنیایی که در آن پرداخت‌هایی به کوچکی کسری از یک سنت هم می‌توانند یک تجارت را تأمین کنند و به این ترتیب یک تولیدکننده آرژانتینی بتواند به راحتی و به شکل سودآوری از یک خیره تجارت در دبی پول قبول کند؛ به همان

راحتی که آمازون به شهر دورافتاده دویوک پوشک می‌فروشد.

اگرچه قرار نیست این تلاش‌ها یک بازی بی‌نتیجه باشد، به‌طور فزاینده‌ای به‌نظر می‌رسد دو نگرش مذکور نسبت به بیت‌کوین در تعارض قرار می‌گیرند. با هر اختلالی همچون حادثه Mt. GOX مشتری‌ها و دولت‌ها به سمت قوانین کنترل‌کننده کشیده می‌شوند، حتی اگر این قوانین تهدیدی باشند برای کشانده شدن به جنگ عمیق نظام مالی بین‌المللی.

سال گذشته رگولاتورهای بانکی یک صرافی بیت‌کوین در آمریکا به نام TradeHill را بستند. امروزه بیشتر صرافی‌های محبوب بیت‌کوین در خارج از آمریکا فعالیت می‌کنند، در کشورهایی همچون اسلوانی، بلغارستان و ژاپن. سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر به چنین کاری عادت دارند؛ گرفتن یک فناوری که توسط معتقدان راستینش پرورش یافته است و راندن آن فناوری به سوی یک کسب‌وکار با مقبولیت گسترده. اما در این مورد آن‌ها در مقابل یک چیز جدید ایستاده‌اند. به لطف افزایش سرسام‌آور ارزش بیت‌کوین برخی هواداران اصیل آن خود را در اوج این هرم یافته‌اند و قصد دارند این پول ناشناس خود را که تازه به دست آورده‌اند، خرج دریافتن دید جدید خود از آینده کنند.

گسترش پول

در ماه مارس سال گذشته، ونس کاسارس، مدیرعامل شرکت پرداخت آنلاین Lemon، در حال گپ‌وگفت با دیگر مدیران، سرمایه‌گذاران خطرپذیر و کارآفرینان کنفرانسی بود که بانک Allen & Company برگزار کرده بود و شرکت در آن به دعوتنامه نیاز داشت. کاسارس در مزرعه‌ای در منطقه پاتاگونیا بزرگ شده، اما با ساخت سیستم‌های پرداخت و بانک‌های آنلاین سابقه کاری خود را در اروپا و آمریکای لاتین ساخته است. در سال گذشته بیت‌کوین به یک وسوسه برای کاسارس تبدیل شده است. او فکر می‌کند که بیت‌کوین می‌تواند نظام مالی را متحول کند؛ به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه. او می‌خواست آن را به هر کسی که برایش مهم است، نشان دهد. کاسارس تصمیم گرفت که یک ترفند سرگرم‌کننده در داو ماونتین ترتیب دهد. او می‌خواست به مدیران رده‌بالای آی‌تی دور میز نشان دهد که بیت‌کوین چقدر راحت می‌تواند حجم بزرگی از پول را منتقل کند. او از افراد دور میز خواست که یک نرم‌افزار کیف پول روی گوشی‌های خود نصب کنند. سپس یک کد QR روی نمایشگر خود ایجاد کرد و از نزدیک‌ترین فرد به خود خواست که از آن عکس بگیرد. وقتی آن شخص کیف پول خود را چک کرد، 6390 بیت‌کوین به ارزش 250 هزار دلار در کیف پول خود داشت.

برخی از تازه‌واردان دنیای بیت‌کوین (سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر و کارآفرینان) دید کاملاً متفاوتی دارند. آن‌ها به بیت‌کوین به دید یک وسیله بسیار عملی‌تر نگاه می‌کنند؛ یک سیستم بسیار کارآمد تراکنش آنلاین مانند ویزا، اما ارزان‌تر، سریع‌تر و انعطاف‌پذیرتر.

آن‌چه در پی آمد یکی از پرمخاطره‌ترین بازی‌های دنیا بود. سرمایه‌داران حاضر، صندلی به صندلی 250 هزار دلار را فقط با یک اشاره به یکدیگر منتقل کردند. وقتی که بالاخره پول دوباره به کیف پول کاسارس برگشت، همه افراد پشت میز دریافتند که بیت‌کوین چقدر می‌تواند جالب و ساده باشد. آن‌چه اتفاق افتاد به هیچ وجه شبیه مثلاً پی‌پل نبود که اصطکاک میان بانک‌ها و شرکت‌های کارت اعتباری را چندان روان نمی‌سازد. این به معنای آزادی پول بود. کریس دیکسن یک کارآفرین است که حالا با اندرسن هورویتز (Andreessen Horowitz)، یک مؤسسه سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر، شریک است؛ این مؤسسه بیشتر به خاطر سرمایه‌گذاری در فیس‌بوک و توییتر مشهور است. دیکسن می‌گوید: «نمایش جالب توجهی بود.» براساس آن‌چه دیکسن به‌عنوان یک سیستم تراکنش بدون هزینه دیده بود، بیت‌کوین می‌تواند یک گزینه جایگزین تجارت الکترونیک برای کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ باشد. از آن‌جا که بیت‌کوین همانند اینترنت یک پلتفرم باز است، توسعه‌دهندگان نرم‌افزار می‌توانند کارهایی روی آن انجام دهند که انجام دادن آن‌ها با مسترکارت یا ویزا که دسترسی به شبکه خود را با دقت کنترل می‌کنند غیرممکن است. با وجود چنین امکاناتی افراد می‌توانند پرداخت‌های موبایل را انجام دهند، بدون آن‌که مجبور باشند سهمی سی درصدی برای اپ استور گوگل یا اپل فائل شوند.

ارزش واحد پولی یک افزایش سرسام‌آور هشت هزار درصدی را در یک سال تجربه کرد.

همچنین مثلاً راهی وجود دارد که دانشجویی با نوشتن یک برنامه ریزپرداخت، سرمایه یک روزنامه دانشگاهی را فراهم کند. دیکسن می‌گوید: «در مشخصات اولیه HTTP ساخت یک سیستم پرداخت درونی پیش‌بینی شده بود، اما هرگز به عمل نرسید.» او فکر می‌کند بیت‌کوین می‌تواند همان امکان باشد. هشت ماه پس از نمایش در توسان، دیکسن 25 میلیون دلار از پول اندرسن هورویتز را روی شرکت نوپای آرمسترانگ، Coinbase سرمایه‌گذاری کرد. دقیقاً همانند فیس‌بوک و بلاگر که حضور آنلاین را برای همگان آسان کرد، اقتصاد بیت‌کوین نیز به یک واسطه نیاز داشت تا

مشارکت را برای همه آسان کند.

منبع:

وایرد
تاریخ انتشار:
24 مرداد 1394

نشانی منبع: <https://www.shabakeh-mag.com/cover-story/1208>